

تعاون و کشاورزی، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۵

تعاون و رونق اقتصادی: یک مطالعه بین استانی

حسین پناهی^{۱*}، داود حمیدی رزی^۲، فرهاد عزیزی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۱۳

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نوع و اندازه تأثیر شاخص‌های منتخب بخش تعاون در رشد اقتصادی استان‌های کشور انجام گرفت. بدین منظور از تکنیک‌های اقتصادسنجی داده‌های تابلویی و با توجه به وجود ناهمسانی واریانس در داده‌ها، از تخمین‌زن حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) پانلی استفاده شد. طبق نتایج، تأثیر اقتصاد تعاونی بر رشد اقتصادی استان‌های کشور مثبت و معنی‌دار ارزیابی گردید و کشش تولید سرانه حقیقی استان‌ها نسبت به شدت شرکت‌های تعاونی ۰/۱۰ درصد برآورد شد. همچنین تسهیلات اعطاشده به مشاغل خانگی نیز تأثیر مثبت و معنادار در رونق اقتصادی استان‌ها داشته هر چند کشش برآوردی آن کوچک بوده است (۰/۰۲ درصد). در مقابل، تسهیلات پرداخت شده به استان‌ها به منظور گسترش بنگاه‌های اقتصادی زودبازده تأثیر مثبتی در ارتقای تولید سرانه حقیقی استان‌ها نداشته است.

واژه‌های کلیدی: تعاون، رشد اقتصادی، استان‌های ایران، خط مشی‌های اقتصاد مقاومتی

۱. دانشیار گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه تبریز

E-mail: panahi@tabrizu.ac.ir

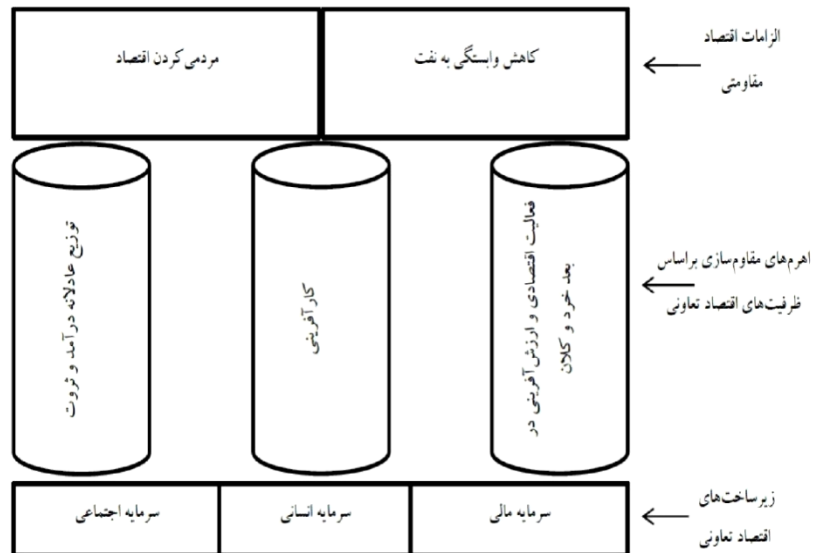
* نویسنده مسئول

۲. دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی، دانشگاه تبریز

۳. دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی، دانشگاه تبریز

مقدمه

در طول تاریخ و در سراسر جهان، همواره گروه‌هایی از افراد با همکاری متقابل، اهداف مشترکی را دنبال کرده‌اند. نمونه‌هایی از تعاون‌گری یا فعالیت جمعی را می‌توان در حیات نیاکان ماقبل تاریخ یافت که به فواید شکار، برداشت محصول و زندگی به شکل گروهی در مقایسه با تلاش فردی پی برده بودند. سابقه فعالیت تعاونی‌ها و همیاری‌های سنتی در ایران طولانی است. اما تشکیل شرکت‌های تعاونی مدرن در سال ۱۳۰۳ با تصویب قانون تجارت شکل گرفت. تعاونی‌ها مؤسسه‌های مستقلی از اشخاص هستند که به لحاظ اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته‌اند. اعضای تعاونی‌ها روحیه‌ای مبتنی بر فداکاری دارند و نظارت بر آنها از طریق اعضا صورت می‌گیرد. برخورداری از استقلال، ارتباط اعضا با تعاونی، عضویت اختیاری، داشتن نیازهای اقتصادی و اجتماعی مشترک، مالکیت گروهی و نظارت دموکراتیک از اصول حاکم بر تعاونی هستند (Taimini, 2000). این تعریف، تعریف پذیرفته شده در مورد تعاونی‌هاست که هم ارزش‌های تعاونی و هم جهت و اصول تعاونی‌ها در آن نهفته است. در حال حاضر، سهم بخش تعاون در اقتصاد کشور طبق برآوردهای انجام شده حدود ۶ درصد است. این بخش ۱۲ درصد از کل اشتغال کشور را پوشش می‌دهد. طبق هدف‌گذاری صورت گرفته، باید این سهم در پایان برنامه ششم توسعه کشور به ۱۵ درصد برسد. در هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور نیز بخش تعاون باید از رشد ۴۰۰ درصدی برخوردار شود (منصور بستانی و دیگران، ۱۳۸۸). در ادبیات اقتصاد مقاومتی نیز بخش تعاون محور راهبردی تولید و اشتغال بوده چرا که مشارکت حداکثری مردم در فعالیت‌های اقتصادی کشور و کاهش وابستگی به نفت از طریق نهاد تعاون امکان‌پذیر است. شکل ۱، به طور خلاصه، ارتباط مفهومی بین اقتصاد تعاونی و اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل مفهومی ارتباط اقتصاد تعاونی و اقتصاد مقاومتی (عبدی و کهن‌هوش‌نژاد، ۱۳۹۵)

اغلب مطالعات تجربی (چوپانی، ۱۳۷۹؛ شمس‌الدینی و حسینی، ۱۳۹۰؛ اکبرپور دباغی، ۱۳۸۸؛ پورصادق و همکاران، ۱۳۸۹؛ عبدی و کهن‌هوش‌نژاد، ۱۳۹۴) نقش تعاون در ارتقای سطح تولید و افزایش بهره‌وری در اقتصاد را به صورت مفهومی و پیمایشی بررسی کرده‌اند و بدین منظور از روش‌های تحلیلی-توصیفی، توصیفی-همبستگی و ابزار پرسش‌نامه بهره‌برده‌اند. با توجه به وجود داده‌های آماری سری زمانی و تابلویی^۱ در کشور و انتشار آمارنامه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی^۲، می‌توان از سایر تکنیک‌های اقتصادسنجی^۳ نیز برای ارزیابی درجه توفیق بخش تعاون در ایجاد رونق اقتصادی بهره‌برد. استفاده از روش‌های اقتصادسنجی منجر به نتایج دقیق‌تر شده و بهره‌گیری از نتایج آنها برای سیاست‌گذاری، کارایی را بیشتر می‌کند.

1. Panel Data

۲. قابل دسترس در سامانه اطلاع‌رسانی آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

<http://www.amarkar.ir>

3. Econometrics

نوآوری این مطالعه استفاده از داده‌های تابلویی و تخمین‌زن حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS)^۱ پانلی برای ارزیابی درجه توفیق بخش تعاون استان‌های کشور می‌باشد.

با عنایت به موارد فوق، هدف اصلی این پژوهش تخمین نوع و اندازه تأثیر متغیرهای بخش تعاون (شدت تعاونی‌ها، تسهیلات اعطا شده به مشاغل خانگی و بنگاه‌های زودبازده، و نرخ مشارکت اقتصادی) بر رشد اقتصادی استان‌های کشور (۳۱ استان) طی بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۲ می‌باشد. به طور مشخص، این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است: نقش بخش تعاون در رونق اقتصادی استان‌های کشور به صورت کمی چقدر است؟^۲. گفتنی است نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در اتخاذ تصمیم‌های سیاستی برای توانمندسازی بخش تعاون استان‌های کشور مؤثر واقع شود.

مبانی نظری

۱. مفهوم و تعریف تعاونی

واژه تعاونی^۲ برای مؤسساتی به کار برده می‌شود که بر مبنای اصول و قواعد تعاونی فعالیت می‌کنند. این واژه را معمولاً معادل شرکت تعاونی^۳ استعمال می‌کنند که از اواسط قرن نوزدهم و به دنبال ایجاد مؤسسات اقتصادی مبتنی بر اصول تعاون رایج گردید (طالب، ۱۳۷۶). از تعاونی تعاریف متعدد و متنوعی ارائه شده است که در زیر به چند مورد آن اشاره می‌شود:

- براساس تعریف اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA)^۴، تعاونی یک اجتماع مستقل از افرادی است که به طور داوطلبانه برای رفع نیازها و آرمان‌های مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از طریق یک بنگاه اقتصادی با مالکیت مشترک و نظارت مردمی گرد هم می‌آیند.

- سازمان بین‌المللی کار (ILO)^۵ تعاونی را مجموعه‌ای از اشخاص می‌داند که به طور داوطلبانه در جهت حصول به یک هدف مشترک و از طریق تشکیل سازمان نظارت شده

1. Generalized Least Squares
2. Cooperative
3. Cooperative Society
4. International Co-operative Alliance (<https://ica.coop.com>)
5. International Labour Organization (<http://www.ilo.org>)

دموکراتیک، سهم مساوی از سرمایه مورد نیاز و پذیرش سهم منصفانه از سودها و ضررهای حاصل از مشارکت فعال اعضا به یکدیگر می‌پیوندد (قطعنامه شماره ۱۲۷ سازمان بین‌المللی کار).

- قوانین انگلستان شرکت تعاونی را چنین تعریف کرده است: هر شرکتی که به منظور انجام فعالیت‌های صنفی، دادوستد یا تجارت تشکیل می‌گردد، در صورتی که یک انجمن خیرخواه و غیرانتفاعی و یا فعالیت آن به نحوی باشد که برای اجتماع مفید باشد، طبق قانون این کشور به عنوان شرکت تعاونی به ثبت می‌رسد.

- در قانون اساسی و قانون بخش تعاونی ایران، تعریف زیر به عنوان تعریف شرکت تعاونی در کشور مورد اجماع قرار گرفته است: شرکت تعاونی، شرکتی است که بین اشخاص حقیقی برای فعالیت در امور مربوط به تولید و توزیع در جهت هدف‌های مطرح در قانون بخش تعاونی و به منظور بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضا از طریق همکاری و تشریک مساعی آنها با رعایت قانون مزبور تشکیل می‌شود.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فعالیت‌های اقتصادی در سه قالب خصوصی، دولتی و تعاونی پیش‌بینی شده است. اندازه بزرگ بخش دولتی و تمایل به کاهش آن از یک سو و دیدگاه‌های معارض در مورد بخش خصوصی از سوی دیگر، باعث شده است که تأکید زیادی بر ترویج تعاون و گسترش واحدهای تعاونی شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶). در نظریه‌های مدیریت، به سه نگرش متفاوت درباره عملکرد تعاونی وجود دارد: گروهی معتقدند فعالیت در قالب تعاونی به دلیل ایجاد فضای مناسب برای استفاده جمعی از مهارت‌ها، دانش و منابع منجر به نتیجه بهتر می‌شود و گروهی نیز معتقدند هدف‌های اجتماعی در تعاونی‌ها بر هدف‌های اقتصادی سایه افکننده و سطح عملکرد کاهش می‌یابد. گروه سوم واقعیت‌های پیرامون را پذیرفته و سعی می‌کنند ساز و کارهای رشد و توسعه بیشتر بنگاه‌ها از جمله تعاون را تبیین کنند. تجربه جهانی بر این مهم تأکید دارد که ثبوت اقتصاد تعاونی به عنوان مردمی‌ترین نوع نظام اقتصادی می‌تواند راهکاری جهت تلطیف و پایداری فضای اقتصادی کشور تلقی گردد. محورهای اصلی اقتصاد

مقاومتی از رهنمودها و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری (که شامل مردمی کردن اقتصاد، حمایت از تولید ملی، مدیریت منابع ارزی، مدیریت مصرف و دانش‌بنیان کردن اقتصاد است) را می‌توان در فرهنگ و الگوی اقتصادی تعاون جستجو کرد. تعاونی‌ها با هدف ایجاد همیاری و همزیستی اقتصادی در بین جامعه هدف و آحاد جامعه شکل می‌گیرند و سازماندهی سرمایه‌های کوچک مردمی را به نحوی قانونمند مورد پیگیری قرار می‌دهند.

تعاونی‌ها به عنوان بنگاه‌های اقتصادی مردم‌نهاد - که با سرمایه مردم، برای مردم و با مدیریت مردم فعالیت می‌نمایند - می‌توانند نقش مهمی در ایجاد الگوهای فرهنگی و اجرایی در اقتصاد مقاومتی ایفا نمایند. در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، اغلب این امیدواری وجود دارد که تعاونی‌ها بتوانند در خصوص فقرزدایی و کاستن از آن (حداقل در کوتاه‌مدت) و در از بین بردن مشقات ناشی از عوارض گذار از اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازار و تعدیل ساختاری کمک‌های مؤثر و کارآمدی کنند. از جمله این نقش‌ها، کمک به جایگزینی عملکرد مؤسسات اعتباری، شرکت‌ها و هیئت‌مدیره‌های دولتی در زمینه‌های مهمی مانند دسترسی آسان به اعتبارات مالی، استخدام، توزیع درآمد و بازاریابی می‌باشد. تعاونی‌های تولید به عنوان نهادی سازمان‌یافته بر مبنای همکاری متقابل می‌باشند که با مشارکت جمعی و همکاری متقابل در افزایش تولید، بهره‌وری، اشتغال‌زایی، انباشت سرمایه، بسیج پس‌اندازها، آموزش و توزیع درآمد، نقش مهمی دارند. تعاونی‌های تولید، مانند واحدهای تولیدی بخش خصوصی، به دنبال کاهش هزینه تولید، افزایش درآمد، افزایش سطح رفاه و تقویت مشارکت در میان اعضا هستند. مشارکت در تعاونی‌ها موجب صرفه‌جویی مقیاس در تولید، افزایش سهم بازار، کاهش میزان خطرپذیری، هماهنگی در عرضه و تقاضای محصول، دسترسی به نهاده‌های مورد نیاز در زمان معین، انجام عملیات بازار محصول و دسترسی به اطلاعات بازار و تولید می‌شوند. آثار اقتصادی تعاونی‌های تولید در قالب متغیرهای بازدهی عوامل تولید، افزایش تولید، کاهش هزینه، بهبود روش‌های عرضه محصول، پایداری محیط زیست در قالب استفاده مناسب از منابع، استفاده از ماشین‌آلات و تجهیزات جدید و آثار اجتماعی در قالب مشارکت اعضا و افزایش سطح آموزش اعضا در تعاونی‌های تولید است. در

ادامه تحقیق قصد بر این است بازی مشارکتی براساس تئوری بازی‌ها مورد بررسی قرار بگیرد و مبانی نظری اقتصاد تعاونی در قالب تئوری بازی‌ها بیان شود.

۲. بازی مشارکتی و تعاون

بسیاری از مشاغل و فعالیت‌ها وجود دارند که در آنها افراد با هم شراکت دارند و نتیجه و حاصل آن مشاغل و فعالیت‌ها از تلاش و مساعی شرکا متأثر می‌شود. لازمه موفقیت این نوع فعالیت‌ها تشریک مساعی و تلاش بیشتر تک‌تک آن افراد است. در این نوع بازی، اجازه داده می‌شود که بازیکنان تشکیل یک ائتلاف بدهند تا در تصمیم‌گیری و اطلاعات و نتیجه شریک باشند. در نظریه بازی مشارکتی، هدف همه بازیکنان انجام بهترین کاری است که می‌تواند انجام دهند البته نه ضرورتاً به هزینه دیگر بازیکنان. در یک دادوستد مناسب، هر دوطرف معامله برنده‌اند. معمولاً در این بازی‌ها بیش از یک راه برای بازیکنان وجود دارد تا سود دوطرفه به دست آورند. نکته اصلی در این گونه بازی، ارزش‌گذاری اشیا و موقعیت‌هاست. این ارزش‌گذاری توسط طرفین صورت می‌گیرد و این کار به شکلی متفاوت اما هماهنگ با نیازهای بازیکنان صورت می‌گیرد. یک محیط مشارکتی شامل n بازیکن است به طوری که جایزه دریافتی از محیط در هر لحظه برای تمام بازیکنان برابر است. اگر عمل انجام شده توسط بازیکن i باشد. آنگاه اجتماع عمل انتخابی توسط همه بازیکنان در هر لحظه «عمل الحاقی» نامیده می‌شود. حال هدف در این بازی‌ها بیشینه کردن سود مربوط به تمام بازیکنان در توالی تعامل با محیط است.

یک بازی مشارکتی^۱ از دو عنصر تشکیل شده است: ۱. مجموعه‌ای از بازیکنان و ۲. تابعی که تبیین کننده ارزش ایجادشده به وسیله زیرمجموعه‌ای از بازیکنان در بازی مورد نظر است (Yeung & Petrosyan, 2005). فرض کنید تعداد محدود بازیکنان را با N نشان دهیم. یک ائتلاف از تعدادی زیرمجموعه N ، که دارای نوعی استراتژی هماهنگ هستند و به نوعی سود و درآمد خود را بین کل اعضای مجموعه تقسیم می‌کنند، تشکیل شده است. فرض می‌شود P

1. Cooperative Game

زیرمجموعه‌ای از بازیکنان مجموعه N باشد. اگر ScP یک اتحاد و مشارکت بین اعضا باشد و همبستگی مقابل S را با S^C نشان دهیم، خواهیم داشت:

$$S^c = P - S = \{A \in P; P \subset S\} \quad (1)$$

به طور کلی در یک استراتژی با N بازیکن S^N مشارکت و همبستگی بین اعضا می‌تواند به وجود آید. برای مشاهده ویژگی بازی مشارکتی، یک بازی N نفره را در نظر بگیرید:

$$P = \{P_1, P_2, \dots, P_N\} \quad (2)$$

فرض می‌شود سیستم، یک مشارکت به صورت S و S^C دارد به طوری که S زیر مجموعه معکوس S^c می‌باشد. استراتژی مشارکتی خالص برای اعضای S و یا S^C تولید دکارتی هر یک از اعضای زیرمجموعه S یا S^C می‌باشد. می‌توان ماتریس استراتژی خالص مشارکتی را برای بازیکنان S یا S^C طراحی کرد. مهم‌ترین بخش در یک بازی مشارکتی به دست آوردن تابع مشخصه^۱ است. اگر $N = \{1, 2, \dots, n\}$ مجموعه بازیکنان در بازی مشارکتی باشند و $R \rightarrow 2^N$ تابعی باشد که مقدار اعداد حقیقی را نشان بدهد و C زیرمجموعه‌ای از N باشد، آنگاه $v(C)$ تابع مشخصه یک بازی از ترکیب (N, v) است. خاصیت تابع مشخصه $v(C)$ این است که اعضای C از ائتلاف و شراکتی که باهم برقرار می‌نمایند بالاترین درآمد و سود را کسب می‌کنند؛ به عبارتی، ضمانت می‌شود که اعضای C بالاترین پرداختی را در ائتلاف $v(C)$ به دست آورند. در یک بازی مشارکتی آنچه بیش از همه اهمیت دارد این است که هم رضایت اعضا از کسب سود و درآمد تامین شود و هم منافع مجموعه ائتلاف تشکیل گردد (به عبارتی، شراکت مجموعه). اگر V یک بازی N نفره در یک تابع مشخصه باشد به طوری که:

$$P = \{P_1, P_2, \dots, P_N\} \quad (3)$$

و بردار پرداخت‌ها به بازیکنان به وسیله اعداد حقیقی به صورت زیر نشان داده شود:

$$x = \{x_1, x_2, \dots, x_N\} \quad (4)$$

1. Characteristic Function

به طوری که پرداختی به بازیکن P_1 برابر x_1 ، به بازیکن P_2 برابر x_2 ، و به بازیکن P_N برابر x_N باشد، آنگاه برای تأمین شرایط پرداختی بازیکنان و همچنین منافع مشارکت تشکیل شده باید شروط زیر تأمین شود:

- شرط تأمین منافع همه افراد حاضر در مشارکت^۱: برای همه بازیکنان P_i باید $x_i \geq v(P_i)$.

- شرط تأمین منافع گروه مشارکتی^۲: $\sum_{i=1}^N x_i = v(P)$.

این توضیحات برای بازی مشارکتی در حالت ایستا بیان شد. برای حالت پویا نیز این بازی

را می توان به صورت زیر طراحی کرد:

یک بازی دونفره با جمع غیرصفر و وضعیت اولیه X_0 و طی مدت زمانی $[t_0, T]$ را در نظر بگیرید. فضای وضعیت بازی عبارت است از $X \in R^m$ و مسیر بازی به صورت زیر تعریف می شود:

$$\{x(s), t_0 \leq s \leq T\} \quad (5)$$

پویایی وضعیت بازی به وسیله بردار ارزش زیر مشخص شده است:

$$\dot{x}(s) = f[s, x(s), u_1(s), u_2(s)], \quad x(t_0) = x_0 \quad (6)$$

در زمان $s \in [t_0, T]$ پرداخت لحظه ای برای بازیکن $i \in \{1, 2\}$ به وسیله

$q^i[s, x(s), u_1(s), u_2(s)]$ مشخص می شود و وقتی بازی در زمان T به پایان برسد، بازیکن i

قسط پایانی خود را که با $q^i(x(T))$ نشان داده می شود، دریافت می کند. پرداختی ها به بازیکنان

طی زمان و از بازیکنی به بازیکنی دیگر قابل انتقال است. اگر نرخ تخفیف لحظه ای پرداختی های

بازیکنان را با $r(s)$ نشان دهیم (برای هر $s \in [t_0, T]$)، دریافتی های وصول شده توسط بازیکنان در

زمان های بعد از T_0 به صورت زیر محاسبه می شود:

1. Individual Rationality
2. Collective Rationality

$$\exp \left[- \int_{t_0}^s r(y) dy \right] \quad (7)$$

بنابراین در زمان T_0 ارزش حال تابع پرداختی به بازیکن i (برای هر $i \in \{1, 2\}$) به صورت زیر قابل بیان است:

$$\int_{t_0}^T g^i[s, x(s), u_1(s), u_2(s)] \exp \left[- \int_{t_0}^s r(y) dy \right] ds + \exp \left[- \int_{t_0}^T r(y) dy \right] q^i(x(T)) \quad (8)$$

حال فرض می‌کنیم بازیکنان شرایطی را در نظر بگیرند که تمایل داشته باشند با هم مشارکت داشته باشند. فرض کنیم $\Gamma(x_0, T - t_0)$ نشان‌دهنده یک بازی مشارکتی در وضعیت اولیه x_0 و مدت زمانی $T - t_0$ باشد که بازیکنان بر اساس اصل مشارکت توافق می‌نمایند. در واقع بازیکنان توافق می‌کنند که چگونه با هم مشارکت داشته باشند و اینکه پرداخت‌ها به هر یک از بازیکنان بر اساس یک اصل بهینه صورت پذیرد. چنان که در حالت ایستا نیز ذکر گردید، در یک بازی مشارکتی در حالت پویا هم دو شرط برای شرایط بهینه یک بازی مشارکتی لازم است: اولاً منافع شرکت تأمین گردد، ثانیاً منافع هر یک از افراد گروه مشارکتی نیز برآورده شود. برای برآورده کردن شرط اول در یک بازی مشارکتی، لازم است که همه بازیکنان شرکت کننده در یک بازی مشارکتی به صورتی توافق داشته باشند که مجموع پرداختی‌ها حداکثر شود. برای این کار باید جواب مسئله کنترل بهینه زیر را برای یک بازی دونفره به دست آورد:

$$\max \left\{ \int_{t_0}^T \sum_{j=1}^2 g^j[s, x(s), u_1(s), u_2(s)] \exp \left[- \int_{t_0}^s r(y) dy \right] ds + \exp \left[- \int_{t_0}^T r(y) dy \right] \sum_{j=1}^2 q^j(x(T)) \right\} \quad (9)$$

نسبت به:

$$\dot{x}(s) = f[s, x(s), u_1(s), u_2(s)], \quad x(t_0) = x_0$$

برای به دست آوردن شرط دوم فرض می‌کنیم در وضعیت اولیه x_0 به صورت بردار $E(x_0, T - t_0) = [E^1(x_0, T - t_0), E^2(x_0, T - t_0)]$ قرار داشته باشیم. این وضعیت یعنی

هر یک از بازیکنان بر اساس نسبتی از سود، در یک بازی دونفره مشارکتی توافق می‌کنند. این مسئله را می‌توان به یک بازی n نفره نیز تعمیم داد که در آن صورت سهم i امین بازیکن بر اساس توافق با سایر اعضای گروه طی مدت زمانی $[t_0, T]$ برابر با $E^i(x_0, T - t_0)$ خواهد بود. این بدان معنی است که برای برآورده کردن شرط دوم باید:

$$E^i(x_0, T - t_0) \geq V^{(t_0)^i}(t_0, x_0) \quad \text{for } i \in \{1, 2\}$$

دو نفر یا دو شرکت که در یک زمینه یکسان فعالیت می‌کنند را در نظر بگیرید که درصدد استفاده از یک نوع فناوری خاص هستند که با محصولات آنها سازگار است. این فناوری دارای نمونه‌های مشابه در استانداردهای مختلف است. اگر این دو نفر از یک فناوری با یک استاندارد مشابه استفاده کنند، فروش بیشتری نصیب این دو شرکت می‌شود؛ چراکه مصرف‌کنندگان با یک استاندارد مواجه خواهند بود و بدین ترتیب در انتخاب استانداردهای مختلف شک نخواهند کرد. با تعریف یک فناوری با یک استاندارد مشخص در قالب یک مشارکت، سود طرفین حداکثر خواهد شد. در نتیجه با ائتلاف دو شرکت، تولید افزایش خواهد یافت و این باعث خواهد شد که رشد اقتصادی محقق شود (Yeng & Petrosyan, 2005 و عبدلی، ۱۳۹۲). در واقع، هدف مشارکت اعضا و تعاونی‌های تولید تجمیع سرمایه‌های اندک اعضا، به منظور افزایش پس‌اندازها، در جهت سرمایه‌گذاری در تولید و رشد اقتصادی و کاهش بیکاری می‌باشد.

۳. مطالعات تجربی

همان‌طور که در بخش مقدمه اشاره شد، در سطح داخلی، اکثر تحقیقات انجام شده در رابطه با تعاونی‌ها به صورت پیمایشی و تحلیلی-توصیفی انجام شده است. در این بخش، ضمن مرور مطالعات تجربی داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش، جمع‌بندی کاملی از مطالعات تجربی ارائه و نوآوری مطالعه حاضر بیان می‌شود.

کریم (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان «چالش‌های شبکه‌های تعاونی روستایی ایران» با استفاده از روش‌های پیمایشی و اسنادی و آزمون‌های آماری نظیر تحلیل‌های رگرسیونی چندگانه

با روش گام به گام، به بررسی چالش‌های تعاونی‌های روستایی ایران پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که موانع سیاسی با ضریب تأثیر ۰/۵۹۴، بیشترین تأثیر و عوامل اجتماعی - فرهنگی با ضریب ۰/۰۹۹ کمترین چالش را در تعاونی‌های روستایی ایران ایجاد می‌کنند.

عبدی و کهن‌هوش‌نژاد (۱۳۹۵) در مطالعه خود با عنوان «نقش اقتصاد تعاونی در تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی» عنوان کردند که اگرچه براساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بخش تعاون می‌بایست به سهمی ۲۵ درصدی از اقتصاد ملی تا پایان سال ۱۳۹۴ دست می‌یافت، شواهد نشان می‌دهد که سهم این بخش اختلاف قابل‌توجهی با هدف تعیین‌شده دارد. این مسئله ریشه در ضعف‌های ساختاری و نیز محقق نشدن مزایا و مشوق‌های قانونی مندرج در ابلاغیه مقام معظم رهبری داشته است و لزوم توجه سریع مسئولان امر را می‌طلبد. همچنین آنها با مطالعه ابعاد اقتصاد بخش تعاون، انطباق کارکردهای این بخش را با الزامات اقتصاد مقاومتی بررسی و در قالب یک مدل مفهومی نشان دادند.

طالبی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با هدف بررسی آثار اقتصادی شرکت‌های تعاونی تولید آراز ۱ و آراز ۲ در منطقه آزاد ماکو انجام دادند. در بین نمونه ۱۰۹ نفری، با بهره‌گیری از روش پیمایش و استفاده از ابزار پرسش‌نامه آنها به این نتایج دست یافتند که عضویت در تعاونی تولید باعث افزایش ۳۹ درصدی هزینه‌های تولید، افزایش ۶۰ درصدی عملکرد، افزایش ۹۰ درصدی درآمد، افزایش ۹۲ درصدی سود و افزایش ۶۴ درصدی نسبت سود به هزینه شده است. به علاوه، عضویت در شرکت‌های تعاونی تولید باعث افزایش بهره‌مندی کشاورزان از دوره‌های ترویجی و بیمه محصولات کشاورزی و تهیه امکانات زندگی و خودرو برای خانوارهای عضو شده است. نتیجه آثار فوق رضایتمندی ۹۵ درصد اعضا از تعاونی تولید بوده است. با این حال، مزایای تعاونی بیشتر نصیب کشاورزان مرفه و این امر باعث افزایش فاصله طبقاتی بین کشاورزان عضو شده است. به علاوه، تعاونی کماکان با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده است؛ از جمله: بالا بودن آب‌بها و نبود شفافیت در این زمینه، عدم فعالیت در بخش بازاریابی، نداشتن سیلو و ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی، نداشتن کلینیک کشاورزی و بخش مشاوره فنی، ناکافی و ناکارآمد بودن دوره‌های

ترویجی، مدیریت نامناسب عرضه و توزیع آب و لایروبی نشدن کانال‌های آب و مصرف بی‌رویه آب توسط کشاورزان و زهدار و ماندابی شدن زمین‌های پایین‌دست. بر اساس نتایج تحقیق، پیشنهاد شد که برای افزایش آثار مثبت تعاونی باید ضمن رفع مشکلات مذکور، به توزیع عادلانه نهاده‌ها و خدمات بین کشاورزان، به ویژه خرده‌مالکان، اقدام شود.

نجفی (۱۳۸۸) در مطالعه خود تجربیات شرکت‌های توسعه‌یافته و در حال توسعه منتخب در زمینه تعاونی‌ها در کاهش فقر و اشتغال‌زایی را بررسی کرده است. تجربیات کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که در بیشتر این کشورها شرکت‌های تعاونی با جمع‌آوری سرمایه اندک گروه‌های کم‌درآمد و با بهره‌گیری از مشارکت اعضا توانسته‌اند به موازات بخش خصوصی، بنگاه‌های اقتصادی قدرتمندی تأسیس کنند و در ایجاد تعادل درآمدی و افزایش اشتغال نقش داشته باشند. در میان کشورهای در حال توسعه، هند، پاکستان و بنگلادش با ایجاد شرکت‌های تعاونی کشاورزی به موفقیت‌های چشمگیری به ویژه در زمینه افزایش سهم زنان در تولیدات کشاورزی و درآمدزایی دستیافته‌اند. در کل، نتایج بررسی تجربیات کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در برنامه‌ریزی برای مقابله با فقر و اشتغال‌زایی، ایجاد تعاونی‌ها به تنهایی نمی‌تواند مؤثر باشد مگر با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جلب اعتماد اعضا و مدیریت توانمند از طریق جذب نیروهای کارآمد.

عطایی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به «مستندسازی تجربیات مدیریتی تعاونی‌های تولیدی موفق استان همدان» پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد که تجربیات مدیریتی تعاونی‌های تولیدی موفق استان همدان در ۱۴ طبقه کلی قرار دارند که عبارت‌اند از: مدیریت استراتژیک، توسعه منابع انسانی، تعاملات برون‌سازمانی، تلفیق علم و تجربه، هیئت‌مدیره توانمند، مدیریت ارتباط با مشتری، کیفیت‌مداری، نوآوری، توسعه شرکت، تخصصی بودن شرکت، تدارک زیرساخت‌ها، مقابله با دلالت‌ها، نظم و انضباط در محیط کار و صبر و پشتکار. در نهایت، مدل‌سازی تجربیات مدیریتی تعاونی‌های تولیدی موفق صورت گرفت.

در سطح جهانی نیز تحقیقات فراوانی در خصوص رابطه مالکیت و عملکرد اقتصادی انجام گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

براساس یافته‌های نظریه‌پردازانی نظیر ویلیامسون (Williamson, 1980)، آئوکی (Aoki, 1984)، میلگروم و رابرتز (Milgrom & Roberts, 1992)، مشخص شده است که فعالیت اقتصادی در قالب تعاونی به‌صرفه نبوده و منجر به عملکرد پایین اقتصادی می‌شود. آنها معتقدند که هدف‌های اجتماعی در این نوع سازمان‌ها بر هدف‌های اقتصادی غلبه می‌کند و شرکت اساس بقای خود یا همانا سود را از دست می‌دهد. آنها معتقدند با این تغییر هدف، شرکت به سطح یک باشگاه تفریحی تنزل می‌کند و در نهایت انسجام و پایداری شرکت از هم گسیخته می‌شود. فوربوتن (Forbott, 1976) اعتقاد دارد نتیجه نهایی شرکت‌های تعاونی در امر کسب و کار واضح است. آنها دموکراسی صنعتی را به بهترین شکل رواج می‌دهند ولی ذاتاً سازمان‌های کارایی نیستند و عدم کارایی نیز نقطه شروع اضمحلال است.

در سوی دیگر، نظریه‌پردازانی قرار دارند که بر این باورند فعالیت اقتصادی در قالب تعاونی نتایج مثبتی بر جای می‌گذارد. آنان معتقدند که تعاونی‌های تولید از جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی در کمک به فرایند تولید نقش سازنده‌ای ایفا می‌کنند. تحقیقات محققانی نظیر وانک (Vanek, 1975)، جنسن و مک‌کلینگ (Jensen & Meckling, 1979) نشان دادند که این نوع فعالیت در سوئد به نتایج قابل قبولی می‌انجامد مشروط بر اینکه سرمایه‌گذاری تعاونی در بخش‌های معین اقتصادی انجام گرفته باشد. آنها معتقدند که فعالیت در قالب تعاونی به دلیل ایجاد فضایی برای استفاده جمعی از مهارت‌ها، دانش و منابع، منجر به نتیجه بهتر می‌شود و در جو صمیمی و اجتماعی تعاونی‌ها، هدف‌های بهتری وضع شده و عملکرد نیز مطلوب خواهد بود. استدلال این گروه این است که نوع مالکیت بر ساختار تأثیر می‌گذارد. شرکت‌های تعاونی دارای ساختار غیر بوروکراتیک بوده و به همین دلیل بهتر می‌توانند خود را با محیط هماهنگ کنند و به لحاظ نوآوری و پویایی پیشگام باشند.

سن (Sen, 1966) هدف تعاونی‌های تولید را حداکثر نمودن تولید سرانه اعضا بر اساس مطلوبیت درآمد و ساعات کار فرد بیان نموده است. تایمینی (Taimini, 2000) نیز در بررسی عملکرد تعاونی‌های تولید در آسیا، تمرکززدایی در تصمیم را به عنوان یکی از عوامل مؤثر در تحقق اهداف اقتصادی تعاونی‌های تولید می‌داند. رابینسون و ویلسون (Robinson & Wilson, 1993) عمده‌ترین دلایل موفقیت تعاونی‌ها را به شرح زیر خلاصه نموده‌اند:

- وجود انگیزه در شرکت‌های تعاونی برای افزایش تلاش کارگران و ذی‌نفعان به دلیل مشارکت در سود،
- افزایش کارایی سازمانی از طریق هم‌افزایی سازمانی،
- کاهش تضاد میان ذی‌نفعان،
- مسئولیت‌پذیری بیشتر در قبال تغییر،
- افزایش ذخیره سرمایه انسانی.

شواهد مختلف در مورد کارکرد تعاونی‌های تولید به ویژه در آسیا نشان می‌دهد که امروزه تعاونی‌ها به عنوان بنگاه‌های خصوصی نمی‌توانند به عنوان ابزاری در راستای سیاست‌های دولتی به کار گرفته شوند. در واقع، تعاونی‌ها نهادهای مستقلی هستند که به دنبال شرایط مطلوب و مولد برای سازماندهی تولید، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. از این زاویه، در عصر حاضر بازبینی جدی در رفتار و عملکرد تعاونی‌ها، مقررات‌زدایی فعالیت‌های آنان، سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و بهبود در کارآمدی آنها ضروری است (Taimni, 2000).

۴. جمع‌بندی مطالعات تجربی و جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر

در اکثر مطالعات تجربی، عوامل مؤثر بر تشکیل و موفقیت تعاونی‌ها مورد توجه قرار گرفته و بدین منظور در آنها از روش‌های تحلیلی-توصیفی و پیمایشی استفاده شده است. همچنین با توجه به مطالعات تجربی می‌توان گفت که یک رابطه علیت دوطرفه بین موفقیت (و تشکیل) تعاونی‌ها و متغیرهای کلان اقتصادی (از جمله درآمد سرانه و) وجود دارد. با توجه به بررسی‌های محققان، تاکنون مطالعه‌ای درباره تأثیر متغیرهای بخش تعاون بر افزایش درآمد سرانه

حقیقی شهروندان استان‌های کشور انجام نشده است. بنابراین، مطالعه حاضر هم از لحاظ عنوان و هم از لحاظ روش‌شناسی بر مطالعات تجربی مشابه برتری و نوآوری دارد.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش مدل تحقیق در چارچوب داده‌های تابلویی (تلفیقی) بررسی شد. استفاده از این الگو مزایای متعددی دارد که می‌توان به افزایش کارایی نتایج تخمین به دلیل استفاده از اطلاعات بیشتر و متنوع‌تر و نیز جامعیت نتایج تحلیل به دلیل توانایی این الگو در مدل‌سازی آثار داده‌های مقطعی در کنار داده‌های سری زمانی اشاره نمود. لذا نتایج تحلیل از تفسیر صرف داده‌های مقطعی و یا سری زمانی کامل‌تر و جامع‌تر است و در داده‌های سری زمانی همواره با افزایش داده‌ها احتمال بروز هم‌خطی افزایش می‌یابد. همچنین داده‌های مقطعی فقط یک دید ایستا به محقق می‌دهد؛ چرا که امکان بررسی روند متغیر در آن وجود ندارد (Green, 2012)، در حالی که در الگوهای تابلویی هر دو مشکل به‌خوبی مرتفع می‌شود. مدل اقتصادسنجی این پژوهش برای ۳۱ استان در طی ۴ سال به صورت رابطه ۱۰ تصریح شد:

$$\ln y_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \ln NC_{it} + \beta_2 \ln NU_{it} + \beta_3 \ln TM_{it} + \beta_4 \ln BZ_{it} + \beta_5 \ln EP_{it} + \epsilon_{it} \quad (10)$$

که در آن:

i و t به ترتیب نشان‌دهنده مقطع (۳۱ استان کشور) و زمان (۱۳۸۹-۱۳۹۲) در پانل است.

$\ln y_{it}$: لگاریتم طبیعی متغیر تولید ناخالص داخلی حقیقی (به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳) سرانه بدون نفت استان‌ها (پراکسی رشد و رونق اقتصادی)

$\ln NC_{it}$: لگاریتم طبیعی شدت شرکت‌های تعاونی (نسبت تعداد شرکت‌های تعاونی ثبت شده به جمعیت) استان‌ها

$\ln NU_{it}$: لگاریتم طبیعی تعداد اتحادیه‌های تعاونی ثبت شده استان‌ها

$\ln TM_{it}$: لگاریتم طبیعی سرانه تسهیلات پرداخت شده به مشاغل خانگی در استان‌ها (به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳)

$\ln BZ_{it}$: لگاریتم طبیعی سرانه تسهیلات اعطاشده به متقاضیان در جهت گسترش بنگاه‌های

اقتصادی زودبازده در استان‌ها (به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳)

$\ln EP_{it}$: لگاریتم طبیعی نرخ مشارکت اقتصادی (درصد) استان‌ها

E_{it} : جمله اخلاص به منظور مدل‌سازی اثر شوک‌ها و متغیرهای لحاظ نشده

گفتنی است، با توجه به اینکه متغیرها به صورت لگاریتمی وارد مدل شده‌اند، بنابراین، ضرایب بایستی به صورت کشش تفسیر شوند و در این حالت مقیاس اندازه‌گیری متغیرها ماهیت خود را ازدست می‌دهد. همان‌طور که اشاره شد، مدل تصریحی پژوهش در رابطه ۱۰ در چارچوب داده‌های تابلویی برازش شد و برای تخمین و تحلیل نتایج در این پژوهش از نرم‌افزارهای اقتصادسنجی همچون Eviews9 و Stata/SE12 استفاده گردید. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، ضرایب رابطه ۱۰ توسط تخمین‌زن GLS برآورد می‌گردند. بنابراین، در ادامه روش‌شناسی، تخمین‌زن GLS بیان می‌شود.

۱. تخمین‌زن حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) پانلی

تخمین‌زن‌های حداقل مربعات معمولی (OLS) پانلی (آثار ثابت و تصادفی) در شرایطی که تغییرپذیری قابل ملاحظه‌ای در داده‌ها وجود داشته باشد، نمی‌توانند بهترین باشند؛ به عبارتی، اگر ناهمسانی واریانس در داده‌ها وجود داشته باشد، روش ایده‌آل تخمین، روشی است که برای مشاهدات با تغییرپذیری بیشتر، وزن کمتری نسبت به مشاهدات با تغییرپذیری کمتر قائل شود. روش OLS معمولی از این رویه پیروی نمی‌کند و وزن و اهمیت مساوی به هر یک از مشاهدات می‌دهد، در حالی که روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS)، تفاوت‌ها را به طور دقیق مورد توجه قرار می‌دهد و تخمین‌زنی ارائه می‌دهد که بهترین تخمین‌زن خطی بدون تورش (BLUE)^۲ است. با توجه به اینکه مشکل ناهمسانی واریانس در داده‌های مقطعی و پانل متداول‌تر از داده‌های

1. Ordinary Least-Squares
2. Best Linear Unbiased Estimator (BLUE)

سری‌های زمانی است و اغلب پژوهش‌ها چند کشور (یا استان) مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهند که معمولاً دارای تفاوت‌های زیادی در تمامی زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی هستند، از این رو ناهمسانی زیادی بین داده‌های این کشورها وجود دارد که برای برطرف شدن مشکل تخمین‌زن‌ها از روش GLS در این تحقیق‌ها استفاده می‌شود. نتایج تخمین‌زن GLS پانلی به صورت رابطه زیر است:

$$\hat{\beta}_{GLS} = (X' \hat{\Omega}^{-1} X)^{-1} X' \hat{\Omega}^{-1} Y, \quad \text{Var}(\hat{\beta}_{GLS}) = (X' \hat{\Omega}^{-1} X)^{-1} \quad (11)$$

که در آن داده‌ها تبدیل شده و به آنها وزن تعلق می‌گیرد. وزن در اینجا همان عناصر ماتریس واریانس-کوواریانس متغیر می‌باشد و با علم به اینکه $\hat{\Omega}^{-1} = \hat{\Omega}^{-\frac{1}{2}} \hat{\Omega}^{-\frac{1}{2}}$ خواهیم داشت:

$$\hat{\beta}_{GLS} = (X' X^*)^{-1} X'^* Y^*, \quad X^* = \hat{\Omega}^{-\frac{1}{2}} X \& Y^* = \hat{\Omega}^{-\frac{1}{2}} Y \quad (12)$$

که در آن ماتریس Ω به صورت مقابل نوشته می‌شود:

$$\Omega = \sum_{m \times m} \otimes I_{T_i \times T_i}, \quad i=1, 2, 3, \dots, m \quad t=1, 2, 3, \dots, T_i \quad (13)$$

در رابطه بالا، m و T_i به ترتیب نشان‌دهنده تعداد مقطع و زمان می‌باشند و ماتریس واریانس تخمینی از جایگذاری Σ به جای Ω به دست می‌آید (سوری، ۱۳۹۰، ۴۷۸؛ گجراتی، ۱۹۹۵، ۴۷۵).

نتایج و بحث

آمار مورد نیاز برای متغیرهای پژوهش از آمارنامه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار طی بازه ۱۳۸۹-۱۳۹۲ استخراج شد. جامعه آماری و نمونه آماری این پژوهش ۳۱ استان کشور طبق تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۳ طی بازه زمانی فوق می‌باشند. جدول ۱ برخی از مهم‌ترین آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را در کل پانل نشان می‌دهد.

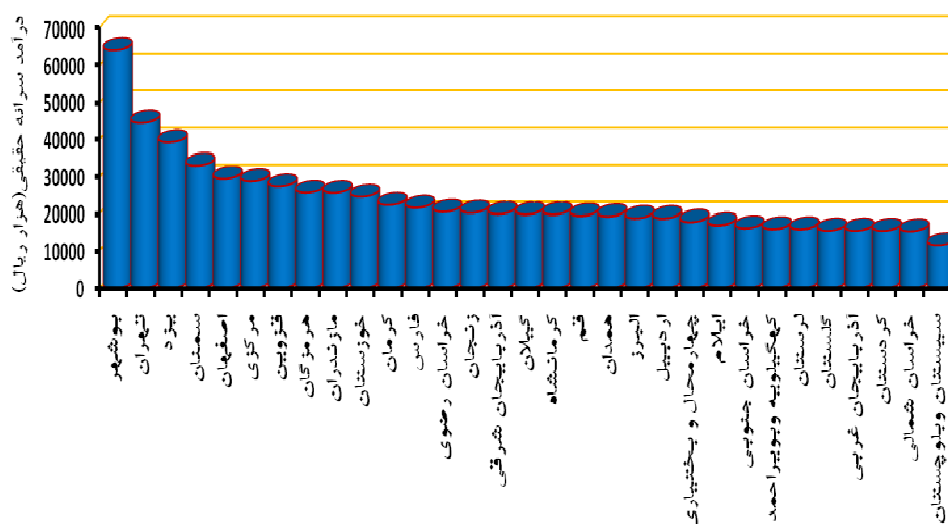
جدول ۱. مهم ترین آماره های توصیفی متغیرهای مدل

متغیرها	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی (هزار ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳).	۱۲۴	۲۳۲۱۴/۲۱	۱۰۶۷۴/۰۴	۱۰۸۱۳/۱۶	۷۷۲۴۴/۹۷
تعداد شرکت های تعاونی	۱۲۴	۵۷۲۷	۳۳۸۷	۱۶۲۹	۱۶۸۰۱
تعداد اتحادیه های تعاونی	۱۲۴	۳۳	۲۰/۱۸۳	۹	۱۲۶
حجم تسهیلات پرداخت شده برای گسترش بنگاه های اقتصادی زودبازده (میلیارد ریال)	۱۲۰	۴۱۹/۸۴۹۷	۴۷۶/۴۰۷	۱	۲۲۶۹
حجم تسهیلات اعطایی به مشاغل خانگی (میلیارد ریال)	۱۲۴	۲۸۸/۷۲۶۹	۳۱۵/۶۶۸	۲/۲۵	۱۶۳۳/۰۵۹
نرخ مشارکت اقتصادی (به درصد)	۱۲۳	۴۰/۸۶	۳/۴۵۵	۳۱/۱	۴۸/۱

منبع: یافته های پژوهش

۱.۱. درآمد سرانه حقیقی

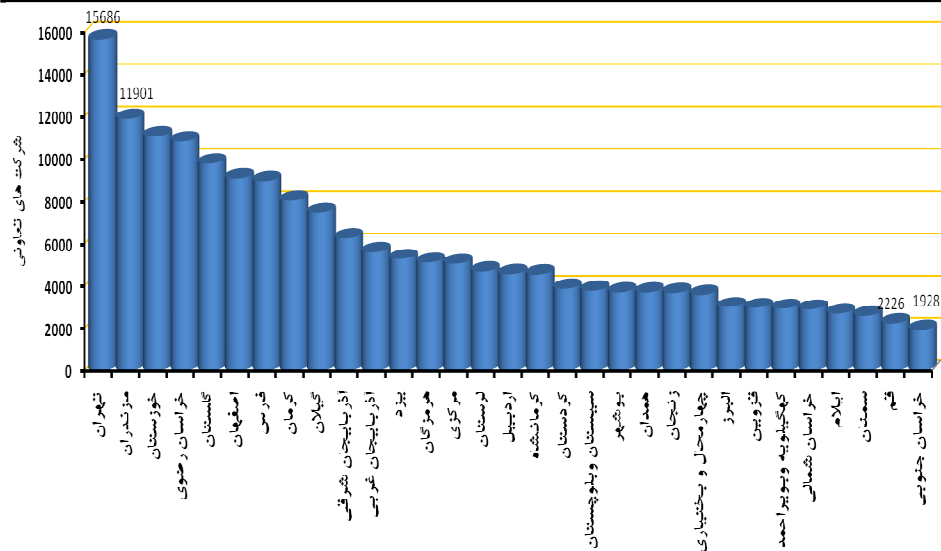
نمودار ۱ میانگین درآمد سرانه حقیقی طی دوره ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ را نشان می دهد. درآمد سرانه بیانگر آن است که هر فرد ساکن در استان به طور متوسط چقدر درآمد داشته است. همان طور که ملاحظه می شود، از لحاظ درآمد سرانه، استان های بوشهر، تهران و یزد در رتبه های اول تا سوم قرار دارند در حالی که استان های سیستان و بلوچستان، خراسان شمالی و کردستان به ترتیب در رتبه های ۳۱، ۳۰ و ۲۹ قرار دارند. دو عامل مهم در عقب ماندگی استان های مذکور مؤثر بوده اند که عبارت اند از: الف) موقعیت جغرافیایی و ویژگی های ذاتی استان و ب) تمرکزگرایی و سیاست های رشد نامتوازن منطقه ای که اولین مورد غیرارادی بوده ولی دومین عامل ارادی بوده و نتیجه سیاست های نادرست و تمرکزگرایی است؛ یعنی می توان گفت که به دلیل عدم سرمایه گذاری های مناسب در این استان ها و عدم سرمایه گذاری صنعتی و اتخاذ سیاست های قطب های تصنعی رشد در مناطق مرکزی، استان های مزبور جزو فقیرترین استان های کشور شده اند.



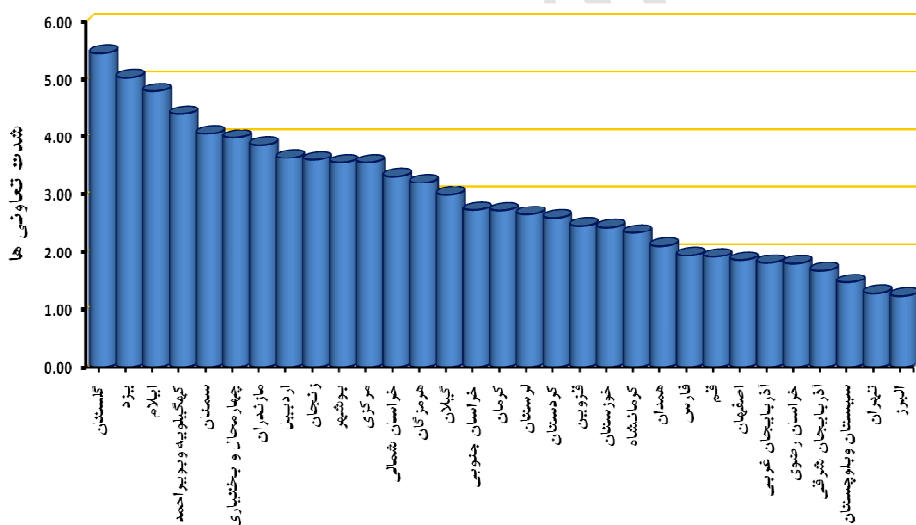
نمودار ۱. رتبه‌بندی استان‌ها براساس میانگین درآمد سرانه حقیقی (به قیمت ثابت ۱۳۸۳) بدون نفت طی بازه ۱۳۸۹-۱۳۹۲ (منبع: یافته‌های پژوهش)

۲.۱. شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های تعاونی

نمودار ۲ تعداد شرکت‌های تعاونی استان‌های کشور را طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۲ نشان می‌دهد. در این بین، استان تهران بیشترین تعداد شرکت تعاونی را به خود اختصاص داده است. شرکت‌های تعاونی ارتباط مستقیمی با تعداد جمعیت دارند و استان تهران به تنهایی ۱۶/۲۱ درصد از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده که بیشترین مقدار است. همچنین استان‌های مازندران، خوزستان و خراسان رضوی به ترتیب در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار دارند. در ادامه، به منظور بررسی دقیق‌تر و واقعی‌تر، تعداد شرکت‌های تعاونی استان‌ها بر جمعیت تعدیل و نتایج گزارش می‌شود. طبق نمودار ۳، استان گلستان از لحاظ شدت شرکت‌های تعاونی در رتبه اول و سپس استان‌های یزد و ایلام به ترتیب در رده‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. همچنین بر خلاف نمودار ۲، استان تهران به همراه استان‌های البرز و سیستان و بلوچستان در رتبه‌های انتهایی قرار گرفته‌اند.

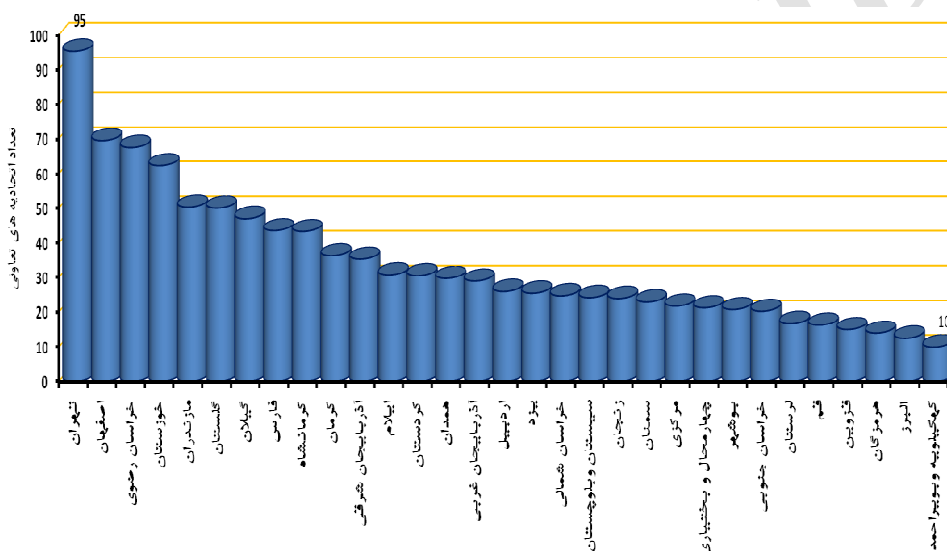


نمودار ۲. رتبه بندی استان براساس میانگین تعداد شرکت های تعاونی طی بازه ۱۳۸۹-۱۳۹۲
(منبع: سالنامه های آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)



نمودار ۳. رتبه بندی استان براساس میانگین شدت شرکت های تعاونی (تعداد شرکت های تعاونی به جمعیت بر حسب هزار نفر) طی بازه ۱۳۸۹-۱۳۹۲ (منبع: یافته های پژوهش)

از سویی، یکی دیگر از نهادهای ارزشمند اقتصاد تعاونی، اتحادیه‌های تعاونی هستند که می‌توانند به شرکت‌های تعاونی برای ایفای نقش اقتصادی و اجتماعی کمک شایانی کنند. اتحادیه‌های تعاونی در واقع محصول اتحاد گروهی از شرکت‌های تعاونی است که موضوع فعالیت آنها واحد می‌باشد. گردهم آمدن شرکت‌های تعاونی، آنان را از مزیت‌های مدیریت علمی‌تر، سرمایه بیشتر و دستیابی به بازارهای ملی و بین‌المللی برخوردار می‌نماید. همان طور که نمودار ۴ نشان می‌دهد، استان‌های تهران، اصفهان و خراسان رضوی بیشترین تعداد اتحادیه تعاونی را دارند.



نمودار ۴. رتبه‌بندی استان‌ها براساس میانگین تعداد اتحادیه‌های تعاونی طی بازه ۱۳۸۹-۱۳۹۲

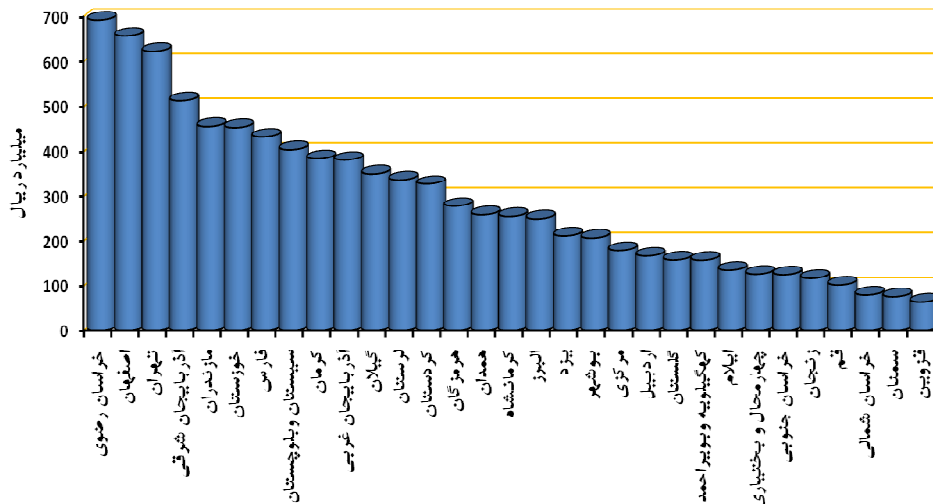
(منبع: سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)

۳.۱. تسهیلات اعطایی به مشاغل خانگی

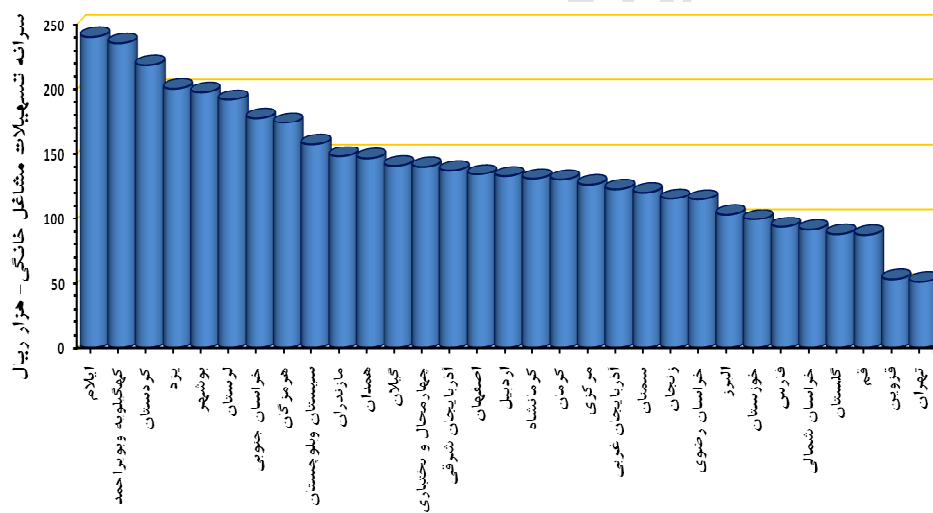
در سالیان اخیر به دلیل تحولات عظیم در بخش فناوری اطلاعات در جهان و ایجاد مشاغل جدید، امکان مشاغل خانگی برای بسیاری از افراد فراهم گردیده است. این مشاغل - که تعداد آنها رو به فزونی و تنوع می‌باشد - این امکان را فراهم می‌آورد تا افراد بتوانند در محیط خانه با استفاده از وسایل جانبی مورد نیاز، به انجام کسب و کارهای گوناگون بپردازند. مطابق قانون ساماندهی و

حمایت از مشاغل خانگی، مشاغل خانگی شامل آن دسته از فعالیت‌هایی است که توسط عضو یا اعضای خانواده در فضای مسکونی در قالب یک طرح کسب و کار بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار شکل می‌گیرند و منجر به تولید و یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از محیط مسکونی می‌شوند. بر اساس مصوبات ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، رشته‌های مشاغل خانگی در حوزه‌های صنایع دستی، فرش، کشاورزی، دامپروری، شیلات، خدمات، تولیدی صنعت و فناوری اطلاعات (IT) می‌باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸).

بر اساس نمودار ۵، استان خراسان رضوی با پرداخت نزدیک به ۷۰۰ میلیارد ریال تسهیلات به منظور گسترش مشاغل خانگی، بالاترین رتبه را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است و استان‌های اصفهان، تهران و آذربایجان شرقی به ترتیب در جایگاه دوم تا چهارم قرار دارند. شایان ذکر است که استان قزوین با تسهیلاتی نزدیک به ۱۰۰ میلیارد ریال از این حیث در رتبه انتهایی استان‌های کشور قرار دارد که مهم‌ترین دلیل آن موقعیت خاص قزوین، نزدیکی به تهران و همچنین سابقه طولانی صنعت و توسعه صنعتی آن می‌باشد. در ادامه، به منظور بررسی و مقایسه واقعی‌تر استان‌ها، سرانه تسهیلات پرداخت شده به شهروندان به منظور ایجاد مشاغل محاسبه شده است. طبق نمودار ۶، استان‌های ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و کردستان بالاترین سرانه تسهیلات دریافتی مشاغل خانگی را طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۹۲ داشته و در مقابل، استان‌های تهران، قزوین و قم از این لحاظ در رتبه‌های انتهایی قرار گرفته‌اند.



نمودار ۵. رتبه بندی استان‌ها براساس میانگین تسهیلات پرداختی به مشاغل خانگی (بر حسب میلیارد ریال) طی بازه ۱۳۸۹-۱۳۹۲ (منبع: یافته‌های پژوهش)

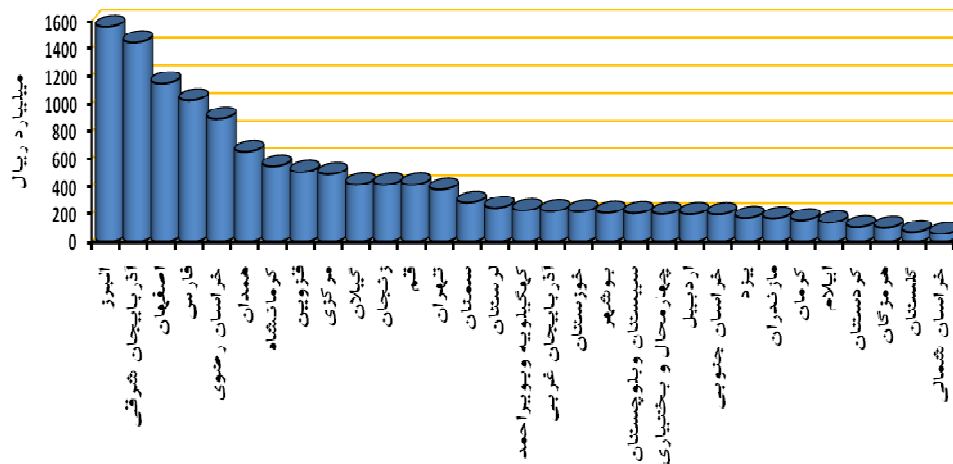


نمودار ۶. رتبه بندی استان‌ها براساس میانگین سرانه تسهیلات پرداختی به مشاغل خانگی (بر حسب هزار ریال) طی بازه ۱۳۸۹-۱۳۹۲ (منبع: یافته‌ها)

۴.۱. بنگاه‌های زودبازده اقتصادی

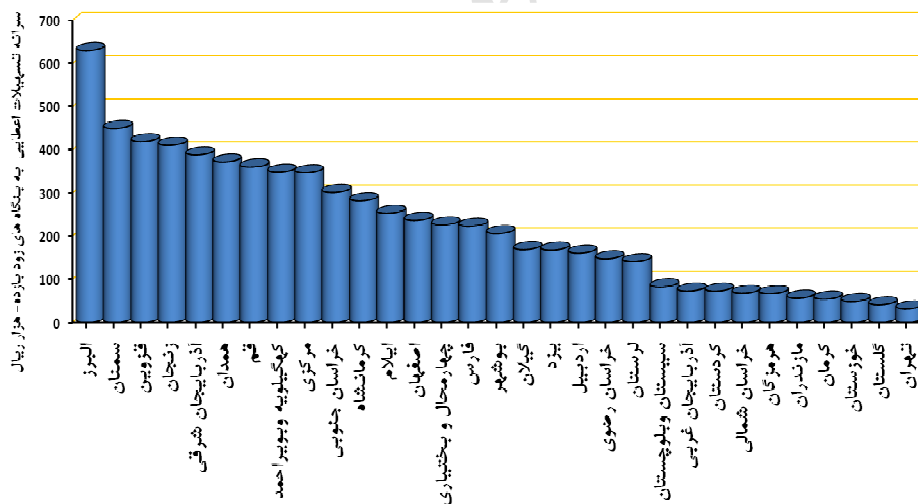
در ادبیات اقتصادی، در زمینه اندازه بنگاه به عنوان ملاکی برای تقسیم‌بندی بنگاه‌ها به گروه‌های خرد، کوچک و متوسط، تعاریف مختلفی ارائه شده است. همچنین تعریف صنایع کوچک و متوسط در میان کشورها و مناطق جهان بسیار متفاوت است. در حقیقت، شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم بر هر کشور، معرف صنایع کوچک و متوسط آن است. برخی از معیارهای متداول در تعریف صنایع کوچک و متوسط عبارت‌اند از: تعداد کارکنان، میزان سرمایه، حجم دارایی، کل حجم فروش و ظرفیت تولید. آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین از سال ۱۳۸۴ از سوی دولت نهم و با هدف توزیع عادلانه منابع در مناطق محروم، افزایش تولید و صادرات، تقویت تحرک اقتصادی و افزایش کارایی تسهیلات بانکی و افزایش اشتغال شروع شد. در آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک و زود بازده - که در سال ۱۳۸۴ تصویب شد و مسئولیت اجرایی آن بر عهده سازمان صنایع کوچک و شهرک های صنعتی گذاشته شد- به واحدهای تولیدی (کالا و خدمات) دارای کمتر از ۵۰ نفر نیروی کار، بنگاه کوچک اطلاق گردد و فقط این بنگاه‌ها مشمول مفاد آیین‌نامه می شوند.

نمودار ۷ استان‌های کشور را بر حسب میانگین تسهیلات پرداخت شده به بنگاه‌های زودبازده طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ نشان می‌دهد. چنان‌که ملاحظه می‌شود، طی بازه زمانی مورد بررسی، استان البرز با پرداخت مبلغی بالغ بر ۱۶۰۰ میلیارد ریال، بیشترین مبلغ تسهیلات پرداختی به بنگاه‌های زودبازده را به خود اختصاص داده است و در رتبه اول قرار دارد. استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان و فارس به ترتیب در رتبه‌های بعدی جای دارند. در مقابل، سه استان خراسان شمالی، گلستان و هرمزگان در رتبه‌های آخر قرار دارند و میانگین تسهیلات پرداخت شده به متقاضیان به منظور گسترش بنگاه‌های اقتصادی در این استان‌ها کمتر از ۲۰۰ میلیارد ریال است. از لحاظ سرانه تسهیلات دریافتی بنگاه‌های زودبازده اقتصادی، استان البرز در رتبه نخست و سپس استان‌های سمنان، قزوین و زنجان قرار دارند. کمترین سرانه تسهیلات دریافتی بنگاه‌های زودبازده اقتصادی به ترتیب از آن استان‌های تهران، گلستان و خوزستان است (نمودار ۸).



نمودار ۷. رتبه‌بندی استان‌ها براساس میانگین تسهیلات پرداخت شده به متقاضیان به منظور گسترش

بنگاه‌های اقتصادی زود بازده طی بازه ۱۳۸۹-۱۳۹۲ (منبع: یافته‌های پژوهش)



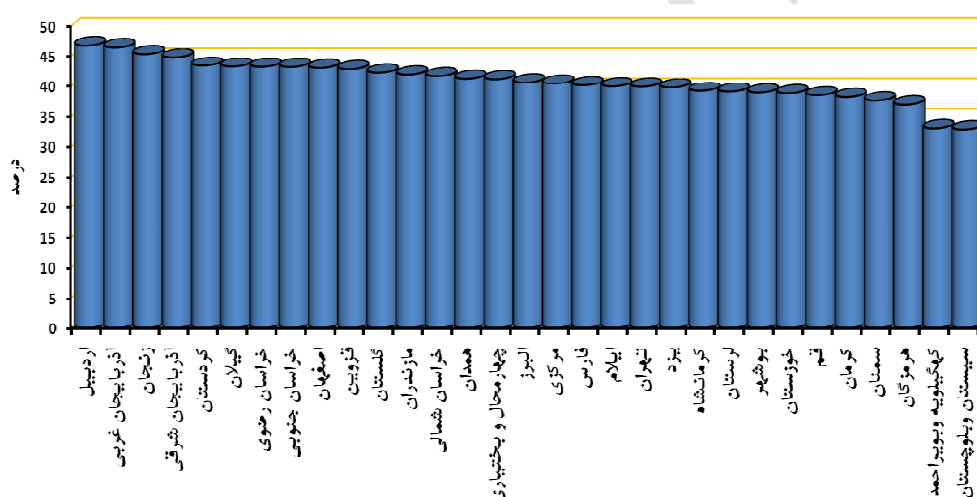
نمودار ۸. رتبه‌بندی استان‌ها براساس میانگین سرانه تسهیلات پرداخت شده به متقاضیان به منظور

گسترش بنگاه‌های اقتصادی زودبازده (بر حسب هزار ریال) طی بازه ۱۳۸۹-۱۳۹۲

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۱.۵. نرخ مشارکت اقتصادی

نرخ مشارکت اقتصادی یا به عبارتی، نرخ فعالیت عبارت است از: نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۵ ساله و بیشتر به جمعیت در سن کار. در حقیقت، نرخ مشارکت اقتصادی نشان می‌دهد که چه تعداد از جمعیت در سن کار، برای فعالیت اقتصادی آمادگی دارند. بر اساس نمودار ۹، استان اردبیل با بیش از ۴۷ درصد، بالاترین و در مقابل، استان سیستان و بلوچستان با بیش از ۳۴ درصد، پایین‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی را دارد. افزایش نرخ مشارکت در شرایطی که اقتصاد در شرایط رکود به سر می‌برد، عمدتاً به افزایش بیکاری و گسترش بحران در بازار کار می‌انجامد. اما در شرایطی که اقتصاد از شرایط رونق برخوردار است، افزایش نرخ مشارکت، به ویژه نرخ مشارکت افراد تحصیل کرده، می‌تواند باعث رشد تولید و توسعه اقتصاد گردد.



نمودار ۹. رتبه‌بندی استان‌ها براساس متوسط نرخ مشارکت اقتصادی طی

سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۲ (منبع: یافته‌های پژوهشی)

۲. تخمین مدل تصریحی پژوهش

جدول ۲ نتایج آزمون‌های خودهمبستگی سریالی و ناهمسانی واریانس پانلی را نشان می‌دهد. فرض صفر در آزمون خودهمبستگی سریالی، عدم وجود خودهمبستگی و در آزمون ناهمسانی واریانس، عدم وجود ناهمسانی (همسانی) واریانس پانلی می‌باشد. با توجه به نتایج گزارش شده، وجود ناهمسانی واریانس پانلی و وجود خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در پانل تأیید می‌شود. بنابراین، در تخمین مدل باید اثر ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی پانلی لحاظ شود. تخمین زن حداقل مربعات تعمیم‌یافته پانلی هم قادر است همسانی واریانس را در پانل لحاظ کند و هم اثر خود همبستگی سریالی را رفع کند^۱. نتایج تخمین مدل در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون‌های ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی پانلی

نوع آزمون	آماره	ارزش احتمال (PV)
ناهمسانی واریانس پانلی	۲۰۳/۳۹	۰/۰۰۰***
خودهمبستگی سریالی پانلی	۱۰/۴۶۳	۰/۰۰۳***

مأخذ: یافته‌های پژوهش ***: معنی‌داری در سطح یک درصد **: معنی‌داری در سطح پنج درصد

*: معنی‌داری در سطح ۱۰ درصد

جدول ۳. نتایج تخمین مدل پژوهش به وسیله تخمین زن حداقل مربعات تعمیم‌یافته پانلی

متغیرهای توضیحی	ضرایب	انحراف معیار	آماره Z	ارزش احتمال
Ln NC	۰/۱۰۲	۰/۰۴۱	۲/۴۹	۰/۰۱۳**
Ln NU	۰/۱۱۵	۰/۰۲۳	۴/۹۸	۰/۰۰۰***

۱. این تخمین زن با دستور xtglS در نرم‌افزار استیتما قابل اجراست و برای لحاظ هم‌زمان همسانی/ناهمسانی و خودهمبستگی سریالی/عدم خودهمبستگی سریالی و همچنین وابستگی مقطعی بسیار سازگار می‌باشد. شایان ذکر است که در این پژوهش از سایر تخمین زن‌ها از جمله تخمین زن‌های پویای پانلی (از جمله GMM) نیز استفاده شد، ولی هیچ کدام نتایج معتبری را ارائه ندادند (اطلاعات بیشتر نزد نویسنده مسئول مقاله حاضر موجود می‌باشد).

ادامه جدول ۳				
۰/۰۰۰***	۱۰/۳۴	۰/۰۰۲	۰/۰۲۱	Ln TM
۰/۰۰۷***	-۲/۶۸	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۷	Ln BZ
۰/۰۲۰***	-۲/۳۳	۰/۱۱۰	-۰/۲۵	Ln EP
۰/۰۰۰***	۲۵/۸۵	۰/۴۰۱	۱۰/۳۵	α_0 (عرض از مبدأ)

منبع: یافته‌های پژوهشی نکته: اثر ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی رفع شده است.

طبق نتایج گزارش شده در جدول ۳، اثر متغیر شدت شرکت‌های تعاونی بر تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی استان‌ها مثبت بوده و از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنادار است به طوری که با افزایش یک درصدی در شدت شرکت‌های تعاونی در استان‌ها و با فرض ثبات سایر متغیرها، به طور متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی استان‌ها به اندازه ۰/۱۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. کشش تولید ناخالص داخلی حقیقی سرانه استان‌ها نسبت به اتحادیه‌های تعاونی نیز مثبت بوده و از لحاظ آماری در سطح یک درصد معنادار است (۰/۱۱ درصد). همان طور که مشاهده می‌شود، این کشش کمی بزرگ‌تر از کشش تولید نسبت به شرکت‌های تعاونی است. افزایش اتحادیه‌های تعاونی علاوه بر اینکه بیانگر افزایش شرکت‌های تعاونی است، چون باعث آثار خارجی مثبت بر عملکرد شرکت‌های تعاونی می‌شود، اثر بزرگ‌تری بر تولید سرانه حقیقی استان‌های کشور دارد. با توجه به این نتیجه، تأثیر مثبت اقتصاد تعاونی بر رشد و رونق اقتصادی استان‌های کشور بسیار مشهود است.

همچنین طبق نتایج (جدول ۳)، تسهیلات پرداختی به مشاغل خانگی اثر مثبت و معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی استان‌ها دارد به طوری که با افزایش یک درصدی سرانه تسهیلات پرداختی به مشاغل خانگی و با فرض ثبات سایر متغیرها، به طور متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی استان‌ها به اندازه ۰/۰۲ درصد افزایش خواهد یافت.

در مقابل، سرانه تسهیلات پرداختی به بنگاه‌های زودبازده اقتصادی تأثیر منفی بر تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی استان‌ها طی دوره مورد بررسی داشته (علی‌رغم داشتن کشش پایین

برابر ۰/۰۰۷- درصد) و ضریبش نیز از لحاظ آماری در سطح یک درصد معنادار است. شاید مهم‌ترین علت این نتیجه منحرف شدن تسهیلات پرداختی به بنگاه‌های زودبازده از مسیر خود و هزینه شدن در بخش‌های دلالی و غیراقتصادی باشد. این پدیده (سوداگردی) باعث افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده (تورم و تورم انتظاری) در بخش‌هایی چون مسکن، واردات، خودرو و ... شده و نیز تأثیر منفی در تولید و فضای کسب و کار داشته است. این نتیجه با شواهد تجربی و آماری نیز سازگار است و سیاست‌گذاران کلان کشور در این موضوع اختلاف نظر داشته‌اند. بر همین اساس می‌توان گفت که نتیجه این مطالعه می‌تواند ابهام موجود درباره مؤثر بودن طرح بنگاه‌های زودبازده را به طور علمی و قوی رفع کند. یادآوری می‌شود که در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ و با افزایش معوقات این طرح‌ها و سیاست‌های بانک مرکزی، مقرر گردید عملکرد بنگاه‌های زودبازده اقتصادی سال‌های ۱۳۸۴-۸۸ از سوی کارگروه‌هایی بررسی و گزارش شود. بر این اساس، گروه‌های کارشناسی (مربک از نمایندگان بانک مرکزی، وزارت کار و امور اجتماعی سابق و گروه کارشناسان ایران) به منظور بازرسی و سرکشی به ۳۰ استان (هر استان ۲ گروه سه نفری) اعزام گردید. بررسی گزارش ارزیابی عملکرد آیین‌نامه مزبور نشان‌دهنده انحراف بالای تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های زودبازده اقتصادی می‌باشد. براساس گزارش فوق، از مجموع ۷۹۳ نمونه طرح مورد بررسی میزان انحراف بر حسب مبلغ و تعداد به ترتیب ۴۰ و ۳۹ درصد بوده است. مهم‌ترین علل انحراف و عدم هزینه تسهیلات زودبازده در محل طرح به شرح زیر ارزیابی شده است: ۱. اصرار مقامات محلی غیربانکی در تصویب طرح‌ها در قالب فرایندی که بررسی توجیه فنی، مالی و اقتصادی طرح‌ها از سوی بانک‌ها را تضعیف کرده بود (نتیجه‌گیری در کمیته و شورای اشتغال استان‌ها)، ۲. حجم فراوان طرح‌های ارجاعی به بانک‌ها و اصرار بر سرعت عمل در تصمیم‌گیری و لاجرم عدم امکان ارزیابی صحیح طرح‌ها توسط بانک‌ها، ۳. تنوع دستگاه‌های اجرایی معرفی‌کننده بنگاه تولیدی به بانک و پیگیری مکرر این دستگاه‌ها، ۴. عدم اهلیت فنی و یا مالی برخی از متقاضیان معرفی شده توسط دستگاه‌های اجرایی به بانک عامل.

اثر متغیر نرخ مشارکت اقتصادی استان‌ها بر تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی آنها منفی بوده و از لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. علامت ضریب نرخ مشارکت اقتصادی مطابق با مبانی تئوریک بوده و همدیگر را تأیید می‌کنند. در مدل رشد سولو (Solow, 1956) و سوان (Swan, 1956)، نرخ رشد نیروی کار تأثیر منفی در تولید سرانه مؤثر نیروی کار دارد. همچنین این نتیجه بیانگر این نکته مهم است که استان‌ها از جهت نهاده نیروی کار در منطقه دوم تولید می‌کنند.

با توجه به نتایج پیش‌گفته، در بین متغیرهای منتخب بخش تعاون، شدت شرکت‌های تعاونی بیشترین تأثیر را بر تولید سرانه حقیقی استان‌ها داشته و تأثیر مثبت اقتصاد تعاونی بر رشد و رونق اقتصادی استان‌های کشور بسیار مشهود است. همان‌طور که اشاره شد، اقتصاد تعاونی علاوه بر تحریک رشد و رونق اقتصادی (از لحاظ کمی)، باعث افزایش سرمایه اجتماعی نیز می‌شود و روند توسعه را بهبود می‌بخشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طور که عنوان شد، هدف از انجام این پژوهش بررسی نوع و اندازه تأثیر شاخص‌های منتخب بخش تعاون در رشد اقتصادی استان‌های کشور طی بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۲ بود. بدین منظور، از تکنیک‌های اقتصادسنجی داده‌های تابلویی استفاده شد و تأثیر متغیرهای شدت تعاونی‌ها، سرانه تسهیلات پرداختی به مشاغل خانگی، سرانه تسهیلات اعطا شده به متقاضیان بنگاه‌های زودبازده در کنار نرخ مشارکت اقتصادی به تفکیک استان‌های کشور و برای بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۲ بر تولید ناخالص داخلی تخمین زده شد. با توجه به وجود ناهمسانی واریانس و خوهمبستگی سریالی در داده‌ها، از تخمین‌زن حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) پانلی استفاده شد. طبق نتایج به دست آمده، اثر متغیر شدت تعاونی‌ها بر درآمد سرانه حقیقی مثبت و معنی‌دار ارزیابی شد. بنابراین، شرکت‌های تعاونی با تجمع سرمایه‌های اعضای خود و هدایت آنها به سمت تولید کالاها و خدمات و همچنین افزایش سرمایه اجتماعی و انسانی تأثیر مثبت بر ارتقای درآمد

سرانه استان‌های کشور دارند. سرانه تسهیلات اعطاشده به مشاغل خانگی نیز علی‌رغم داشتن کسش پایین (۰/۰۲ درصد)، تأثیر مثبت و معنادار بر رونق رفاه اقتصادی استان‌های کشور داشته و باعث افزایش درآمد سرانه حقیقی در استان‌ها شده است. بنابراین، سازمان‌های مرتبط، به ویژه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، باید به توانمندسازی هر چه بیشتر این مشاغل اقدام کنند؛ چرا که تأثیر مثبت و معنادار آنها طبق این مطالعه تأیید گردید. از سوی دیگر، با توجه به وجود بیشتر جمعیت در سن کار در کشور، ضرورت ایجاد مشاغل و صنایع کاربر بیش از پیش اهمیت می‌یابد. تأثیر منفی و معنی‌دار سرانه تسهیلات اعطاشده در جهت گسترش بنگاه‌های اقتصادی زودبازده بر تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی استان‌ها حاکی از این واقعیت مهم است که اثر نهایی این تسهیلات تخریب تولید بوده و این تسهیلات دچار انحراف از مسیر اصلی خود شده‌اند. یادآوری می‌شود که پتانسیل بنگاه‌های زودبازده در رشد و رونق اقتصادی و افزایش اشتغال مبرهن است، اما عدم برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح باعث شده است که تسهیلات پرداختی به بنگاه‌های زودبازده از مسیر اصلی خود، که همان رشد تولید و کاهش بیکاری است، منحرف شود به طوری که عده‌ای با بهره‌گیری از رانت‌ها، این تسهیلات را گرفته و در سایر بخش‌ها (دلالی، سوداگری و مشاغل کاذب) هزینه کرده‌اند. بنابراین، سازمان‌های مرتبط باید در اعطای تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده اقتصادی با احتیاط عمل کنند و پیشنهاد می‌شود در اعطای تسهیلات از اصول علمی تبعیت شود.

در مجموع می‌توان گفت که نقش تعاون در تولید و توسعه اقتصادی مهم است. تعاونی‌ها به عنوان بنگاه‌های اقتصادی مردم‌نهاد، که با سرمایه بخش خصوصی و با فعالیت آنان و مدیریت مردم فعالیت می‌نمایند، می‌توانند نقش به ویژه مهمی در ایجاد الگوهای عملیاتی اقتصاد مقاومتی ایفا نمایند. با تأمین منابع از طریق سرمایه‌های مردمی (که بهترین گزینه است برای جهت‌دهی به نقدینگی‌های پراکنده موجود در بازار پولی با اتکا بر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی که مهم‌ترین این مؤلفه‌ها حمایت از تولید ملی، مردمی کردن اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت، افزایش تاب‌آوری اقتصاد و مدیریت منابع ارزی می‌باشند) می‌توان در جهت افزایش تولید و کاهش بیکاری حرکت نمود. لذا توصیه می‌شود با تقویت تعاونی‌ها و حمایت از مدیریت و مشارکت‌های مردمی شرایط

حضور فعال بخش خصوصی در عرصه‌های اقتصادی فراهم شود و در سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل، شاهد افزایش رفاه شهروندان استان‌های کشور باشیم.

توصیه‌های سیاستی

مهم‌ترین پیشنهادهای برگرفته از نتایج این مطالعه برای سیاست‌گذاران و پژوهشگران عبارت‌اند از:

- به منظور تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاران باید توسعه کمی و کیفی بخش تعاون را بیش از پیش مد نظر قرار دهند.

- پیشنهاد می‌گردد در ارائه تسهیلات به شهروندان در جهت ایجاد تعاونی‌ها و سایر مشاغل مرتبط، نظارت کافی صورت گیرد تا مبادا تسهیلات از هدف و مسیر اصلی خود خارج و در بخش‌های کاذب هزینه شود.

- توصیه می‌شود در مطالعات بعدی از روش‌های اقتصادسنجی فضایی برای تحلیل وضعیت متغیرهای بخش تعاون در سازمان فضایی (استان‌های) کشور استفاده گردد.

منابع

- آمارنامه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. قابل دسترس در: <http://www.amarkar.ir>
- اکبر پور دباغی، ف. (۱۳۸۸). بررسی نقش تعاون در توسعه کارآفرینی، مطالعه موردی شرکت‌های تعاونی استان آذربایجان شرقی. فصلنامه تعاون و کشاورزی، دوره ۲۰، (۲۰۶-۲۰۷)، ۱۱۱-۱۴۱.
- پورصادق، ن.، بهلولی، ن. و حاجی خانی، م. (۱۳۸۹). نقش تعاونی‌های فرش دستباف استان زنجان بر توسعه صادرات این فرش. تعاون و کشاورزی، ۲۱(۳)، ۱۵۷-۱۷۰.

چوپانی، غ. (۱۳۷۹). بررسی نقش شرکت‌های تعاونی روستایی در تامین اعتبارات مورد نیاز اعضا و ارتباط آن با توسعه روستایی. پایان‌نامه دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی. دانشگاه تربیت مدرس.

سوری، ع. (۱۳۹۰). اقتصاد سنجی: همراه با کاربرد نرم افزار *Eviews7*. تهران: انتشارات فرهنگ‌شناسی.

شمس‌الدینی، ع. و حسینی، س. ن. (۱۳۹۰). نقش تعاونی‌های صنایع کوچک در اشتغالزایی و توسعه روستاها. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۲۲(۶)، ۱۳۵-۱۵۷.

طالب، م. (۱۳۷۶). اصول و اندیشه‌های تعاون. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طالبی، ج.، محمدزاده، ش. و رضایی، ا. (۱۳۹۵). بررسی آثار اقتصادی شرکت‌های تعاونی تولید آراز ۱ و ۲ در منطقه آزاد ماکو. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۵(۱۸)، ۸۵-۱۰۶.

عبدلی، ق. (۱۳۹۲). نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن (بازی‌های ایستا و پویا با اطلاعات کامل). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.

عبدی، ب. و کهن‌هوش‌نژاد، ر. (۱۳۹۵). نقش اقتصاد تعاونی در تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۵(۱۷)، ۱۴۳-۱۷۴.

عطائی، پ.، ایزدی، ن. و احمد یعقوبی فرانی (۱۳۹۵). مستندسازی تجربیات مدیریتی تعاونی‌های تولیدی موفق استان همدان. فصلنامه تعاون و کشاورزی، ۵(۱۸)، ۱-۲۸.

کریم، م. ح. (۱۳۹۴). چالش‌های شبکه‌های تعاونی روستایی ایران. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۱۳)، ۱۷۳-۱۹۶.

گجراتی، د. (۱۳۹۰). مبانی اقتصادسنجی. ترجمه حمید ابریشمی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۶). قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی. مجلس شورای اسلامی، شماره روزنامه: ۱۸۴۷۶، قابل دسترس در:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/134223>

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۸). طرح سامان‌دهی و حمایت از مشاغل خانگی. شماره مسلسل: ۹۷۳۴، تهران.

منصور بستانی، ر.، حیدری، ع. و صدیقی، ح. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر ترویج و توسعه فرهنگ تعاون در استان سیستان و بلوچستان. *تعاون و کشاورزی*، ۲۰ (۲۱۰-۲۱۱)، ۳۵-۵۴.

نجفی، ب. (۱۳۸۸). تجربیات جهانی در زمینه نقش تعاونی‌ها در کاهش فقر و اشتغال‌زایی. *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، ۲۰ (۲۰۶-۲۰۷)، ۱-۲۰.

Aoki, M. (1984). *The Cooperative Game Theory of the Firm*. London: Oxford University Press.

Forbotn, E. (1976). The long-run analysis of Cooperative firms. *American Economic Review*, Vol. 66, 104-123.

Greene, W. H. (2012). *Econometric analysis*. 7th^{ed}. Upper Saddle River. NJ: Prentice Hall.

Jensen, M., & Meckling, W. (1979). Rights and production function. *Journal of Business Economics*, 52(4), 469-506.

Milgrom, P., & Roberts, J. (1992). *Economics and management*. London: Prentice-Hall.

Robinson, A., & Wilson, N. (1994). Co-operative vs. Private Firms: An Empirical Comparison of Cooperative and Private Small Firms in Britain. *International Business Review*, 2(3), 281-296.

Sen, A. (1966). Labour allocation in a Cooperative enterprise. *Review of Economic Studies*, 33, 361-371.

- Solow, R.M. (1956). A contribution to the theory of economic growth. *Quarterly Journal of Economics. Oxford Journals*, 70 (1), 65–94.
- Swan, T. W. (1956). Economic growth and capital accumulation. *Economic Record*, 32 (2), 334–361.
- Taimini, K. (2000). *Cooperative in Asia*. Switzerland: International Labour Organization (ILO).
- Vanek, J. (1975). *The basic theory of participatory Firms*. NY: Cornell University Press.
- Williamson, Oliver E. (1980). The organization of work a comparative institutional assessment. *Journal of Economic Behavior & Organization, Elsevier*, 1(1), 5-38.
- Yeung, D.W.K., & Petrosyan, L. A. (2005). *Cooperative stochastic differential games*. Springer Series in Operations Research and Financial Engineering. NewYork: Springer-Verlag.

Cooperation and Economic Prosperity: an Inter-Provincial Study in Iran

H. Panahi^{1*}, *D. Hamidi Razi*², *F. Azizi*³

Received: May 3, 2016 Accepted: Oct 4, 2016

Abstract

The aim of this study was to determine the type and size of the effect on selected cooperative sector indicators on the economic growth of various provinces. For this purpose, heteroskedasticity test in panel data and autocorrelation techniques were utilized. A Panel Generalized Least Squares (PGLS) estimator was applied. According to the results, the significant positive impact of cooperatives on economic growth among provinces was evaluated and the elasticity of real per capita income to the number of cooperative enterprises 0.10 was estimated. The facilities granted to home-based businesses have a significant and positive impact on the province's economic boom; though had small elasticity (0.02). In contrast, facilities granted to the provinces to expand small and quick return enterprises had insignificant effect on real per capita income of provinces.

Keywords: Cooperative, Economic Growth, Provinces of Iran, Resistance Economic Policies

1. Associate Professor, Department of Economic Development and Planning, University of Tabriz, Tabriz, Iran

* Corresponding Author

E-mail: panahi@tabrizu.ac.ir

2. Ph.D Student, Department of Economic Development and Planning, University of Tabriz, Tabriz, Iran

3. Ph.D Student, Department of Economic Development and Planning, University of Tabriz, Tabriz, Iran